

منحنی تقابل روسیه و ناتو سیر صعودی به‌خود گرفته است

جبهه‌های جدید رویارویی ناتو با روسیه



با گذاشتن توافقنامه ۱۹۹۷ در زمینه عدم استقرار دائمی نیروهای نظامی در شرق اروپا باعث شده روسیه نیز حضور فعال نظامی در مرزهای غربی خود و در مجاورت کشورهای اروپای شرقی مانند لهستان و جمهوری‌های بالتیک و همچنین در دریای سیاه را سرلوحه اقدامات نظامی خود قرار دهد. در واقع ناتو قصد دارد تا در ادامه سیاست تهاجمی خود به بهانه تهدید از جانب روسیه، به تقویت نیروها و حضور خود در شرق اروپا ادامه دهد. مسکو بر این باور است که ناتو باید رویکرد بدبینانه خود در قبال روسیه به عنوان یک تهدید جدی علیه ناتو را کنار بگذارد، با این حال بعید به نظر می‌رسد سران ناتو با این مسئله موافق باشند. لذا کماکان باید انتظار داشت که سران ناتو به اقدامات تحریک‌آمیز خود در صحنه اروپا با تصویب افزایش حضور نظامی ناتو در شرق اروپا ادامه دهند.

■ **اعضای احتمالی**

او کراین و گر جستان با نزدیک شدن زمان برگزاری نشست سران سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) از اعضای این سازمان خواستند با عضویت این دو کشور در ناتو موافقت کنند. «تینا خیداشلی» وزیر دفاع کشور جستان گفته است امریکا علاقه زیادی برای کمک به او کراین و ملحق شدن گر جستان به ناتو دارد تا در مقابل روسیه از آن استفاده کنند. وزیر دفاع گر جستان تأکید کرده بیش از آنکه گر جستان به ناتو نیاز داشته باشد، اعضای ناتو هستند که به عضویت این کشور نیاز دارند. همچنین «هانا هویکو» رئیس کمیته امور خارجی پارلمان اوکراین گفت، عضویت در ناتو برای این کشور جنگ زده امنیت به همراه می‌آورد. رئیس کمیته امور خارجه پارلمان او کراین از اعضای ناتو خواست درباره راهبردی واقعی برای حفاظت مردم این کشور در مقابل روسیه تأمل کنند.

میراث ۷۰ ساله سازمان ملل در معرض تهدید سایه ائتلاف سعودی – صهیونیستی

بگیری‌هاو لایحه‌های مشترک پشت پرده‌بهره می‌گیرند. از این دیدار، تباطؤ روشن و معناداری بین خارج شدن عربستان از لیست سیاه کشورهای کودک‌کش سازمان ملل و احراز ریاست اسرائیل به ریاست کمیته حقوقی سازمان ملل دیده می‌شود.

دوم اینکه هیچ یک از این اقدامات از بار جنایت‌های آنها کم نمی‌کند. حجم و گستره جنایات جنگی از تک‌بای عربستان به یمن به قدری سنگین و وسیع است که با دستکاری در فهرست سیاه کشورهای کودک‌کش پاک نمی‌شود. هر چند اشاره به قتل و زخمی کردن بیش از یکپنجاه کودک یمنی از عمق و گستره جنایات جنگی از تک‌بای عربستان در جنگ یمن پرده برمی‌دارد اما باید توجه داشت که این آمار در مقایسه با کل آمار تلفات انسانی و خسارات وارده از حملات هوایی کور عربستان تقریباً ناچیز است. اما راهی‌حاکمی از این است که طی نزدیک به ۱۵ ماه از آغاز تجاوز نظامی عربستان به یمن بیش از ۱۰ هزار از ساکنان غیرنظامی این کشور کشته، بیش از ۲۰ هزار نفر دیگر زخمی شده‌اند و هزاران خانه، مسجد و مراکز تولیدی در این کشور نابود شده‌اند و عربستان حتی به مزارع، مراغ و باغات نیز رحم نکرده و در راستای تشدید فشارهای زندگی این اماکن را نیز مورد بمباران‌های گسترده هوایی



■ **دورنما**
سیدرضا میطرهر

روسیه و ناتو در دهه ۱۹۹۰ پس از فروپاشی شوروی به دلیل گسترش این سازمان در دهه ۲۰۰۰ با مطرح شدن استقرار سامانه‌های ضدموشکی امریکا و ناتو در شرق اروپا تشدید شد. با این حال مهم‌ترین مسئله‌ای که طی دو سال اخیر منجر به رویارویی روسیه و ناتو شده است، اختلاف جدی در باره بحران اوکراین است که باعث شده است روابط دو طرف به پایین‌ترین سطح خود برسد. در دو ماه اخیر تحولات جدیدی رخ داده که سطح تنش‌ها را بالاتر برده است.

■

حضور فزاینده در شرق اروپا
ینس استولتنبرگ، دبیر کل ناتو روز پنجشنبه ۲۰ خرداد اعلام کرد ناتو قصد دارد حضور خود را در کشورهای شرق این پیمان افزایش دهد. وی با اشاره به لزوم افزایش بودجه نظامی اعضای ناتو تأکید کرد تنش‌ها بیشتر شده‌است و در جهان خطر ناگزیرتری زندگی می‌کنیم. دبیر کل ناتو تأکید کرد شاهد تهاجم بیشتر روسیه به شرق اروپا و آشوب و خشونت در جنوب اروپا هستیم. پیش‌ش، مجمع پارلمانی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز در ۱۱ خرداد با انتشار بیانیه‌ای پس از نشست سه روزه خود در تیرانا پایتخت در بیانیه‌ای از کشورهای عضو این سازمان خواسته بود برای واکنش در برابر تهدید احتمالی روسیه کاملاً آماده باشند. ناتو قصد دارد در مجموع ۴ هزار سرباز را با بالتیک (کشورهای لهستان، لیتوانی، لتونی و استونی) مستقر کند. افزایش حضور ناتو در کشورهای شرق اروپا در شرایطی است که روسیه بارها نسبت به این اقدام هشدار داده است. به نظر می‌رسد مقامات ارشد ناتو و امریکا با نزدیک شدن به زمان تشکیل نشست مهم سران ناتو در صدد هستند با بازگنجمایی تهدید ادعایی از جانب روسیه علیه کشورهای شرق اروپا به ویژه جمهوری‌های سه‌گانه بالتیک و لهستان، توجیه لازم را برای افزایش قابل توجه نیروهای نظامی ناتو در این کشورها به دست آورده و همچنین موافقت سران کشورهای عضو ناتو در این زمینه را جلب کنند. به این ترتیب باید انتظار داشت که تصمیمات مهمی در این زمینه در نشست آتی سران ناتو اتخاذ شود. این نشست روزهای هشتم و نهم ژوئیه ۲۰۱۶ (۱۸ و ۱۹ آکتبر ۱۳۹۵) در ورشو پایتخت لهستان با هدف دادن تضمین امنیتی به کشورهایی که در حوزه شرقی این پیمان قرار دارند تشکیل می‌شود. این کشورها از جمله لهستان در باره اقدام‌های تحریک‌آمیز روسیه ابراز نگرانی می‌کنند. روابط روسیه و ناتو در دو سال اخیر به خاطر آنچه مسکو تقویت این ائتلاف نظامی در نزدیکی مرزهای خود می‌خواند، به تیرگی گراییده است. سازمان ناتو به عنوان پیمان دفاعی اصلی غرب در برابر روسیه محسوب می‌شود. با توجه به شواهد کنونی به نظر می‌رسد تقابل روسیه و ناتو روندی فزاینده به‌خود گرفته و به واکنش‌های شدیدتر دو طرف منجر شود که این خود به تصاعد بحران و افزایش احتمال برخورد نظامی می‌انجامد. در واقع ناتو اقدامات تحریک‌آمیز خود علیه روسیه را در دو سال اخیر به شدت افزایش داده که از جمله موارد مهم آن می‌توان به عملیاتی شدن شش مرکز فرماندهی در کشورهای همجوار روسیه در شرق اروپا اشاره کرد. ضمن اینکه ناتو سیاست گسترش به‌سوی شرق را به‌رغم مخالفت جدی مسکو ادامه داده که تازه‌ترین تحول در این زمینه آغاز رسمی روند عضویت مونتنگرو در ناتو است. در عین حال دبعدهی ناتو و زیر

جبهه‌ها

سرویس‌بین‌الملل ۸۸۴۹۸۴۴

|| شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۵ || ۱۲ | رمضان ۱۴۲۷ |

■ **رویکرد**
دکتر سید نعمت‌الله عبدالرحیم زاده

معامله سیاسی – اقتصادی سعودی‌ها با امریکا

محمدبن سلمان جدای از اینکه پسر سلمان بن‌العزیز، پادشاه عربستان است با داشتن سنم‌های مهمی مثل جانسنینی ولیعهد، وزارت دفاع و ریاست شورای عالی اقتصاد عربستان از مهم‌ترین مهره‌های حکومت آل سعود به شمار می‌رود. اهمیت جایگاه او تا آنجاست که بسیاری از ناظران تحولات عربستان او را کسی می‌دانند که زیر سایه پدر پیر خود سکاندار حکومت آل سعود است و در عمل پادشاهی آل سعود را او می‌چرخاند. او که از روز جمعه ۱۰ می در نیویورک به سر می‌برد، چند روز بعد به واشنگتن رفت تا با مقامات ارشد امریکایی دیدار و گفت‌وگو داشته باشد. محمدبن سلمان قیل از این سفر از رابطه محکم عربستان و امریکا گفته بود و اینکه آل سعود از هیچ تلاشی برای توسعه روابط با همپیمان استراتژیک قدیمی‌اش فر و گذار نکرده و اشاره‌ای به چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان کرد که در این سفر به معنای نخستین گام در این جهت است. بنابر این، سفر او به امریکا نه یک سفر معمولی مثل گذشته بلکه در جهت انجام معامله‌ای بزرگ با حامی سنتی آل سعود بود اما پایه توجیه به نگاه‌های نه چندان مثبت در امریکا به آل سعود کرد که این سفر زیر سایه همین نگاه‌ها انجام شد.

■ **جانشین اوباما**

ناخشنودی سعودی‌ها از بساراک اوباما، رئیس‌جمهور امریکا در چندسال اخیر پوشیده نیست و نحوه استقبال از او در سفر اخیرش به عربستان اوج این ناخشنودی بود. وقتی اوباما حدود دو ماه قبل به ریاض، پایتخت عربستان رسید نه پادشاه و نه ولیعهد و نه حتی همین محمدبن سلمان به استقبال او رفتند بلکه استقبال از او به عهده فیصل بن بندر آل سعود، فرماندار ریاض، گذاشته شد تا این تجویب سابقه از استقبال نشان دهنده نارضایتی تام و تمام حکام آل سعود از او باشد. از آن سفر بود که تحلیلی مبنی بر توجه آل سعود به جانشین اوباما مطرح شد، چراکه اوباما چند ماه پیش بیشتر در کاخ سفید نخواهد بود و آل سعود از حالا سعی می‌کند تا با سرمایه‌گذاری در سید جاننشین احتمالی‌اش در کاخ سفید، روابط خود را برای بعد از انتقال جمهوری فعلی امریکا ترسیم کند. اخباری که میدل ایست‌ای

بیشتر به دوره پاس‌اوباما و به خصوص با آمدن

محمدبن سلمان سفر خود به امریکا را در دو بخش از نیویورک و واشنگتن تقسیم کرد تا

با طرح معامله اقتصادی در نیویورک بتواند زمینه معامله‌ای سیاسی در واشنگتن را فراهم کند. هر چند نه او و نه دیگر اعضای ارشد در آل سعود امید زیادی به معامله سیاسی طی چند ماه پانیماده از ریاست جمهوری اوباما ندارند. باید گفت معامله سیاسی مورد نظر او بیشتر به دوره پاس‌اوباما و به خصوص با آمدن



هیلازی کلینتون به کاخ سفید، تباطؤ دارد.

این موضوع با توجه به حمایت‌های گذشته او فقهی آل سعود از خانواده کلینتون قابل توجه است اما با وجود این، باز جای این سؤال باقی است که آیا طرف امریکایی حاضر به این معامله خواهد شد تا روابط دو طرف به دوران شکوفای گذشته باز گردد و امریکا هم اجازه دهد آل سعود به تمام بلندپروازی‌های خود در منطقه برسد و هم اینکه در این مسیر حمایت کند؟
این سؤالی است که شخص محمدبن سلمان با خوش‌بینی به آن پاسخ می‌دهد اما از جنبه واقعیت منطقه و اهداف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نمی‌توان پاسخ مثبتی به آن داد. انتقادهای گسترده چند ماه اخیر در محافل حقوقی، سیاسی و رسانه‌ای امریکا به عربستان به این دلیل است که امریکا هزینه حمایت‌های گذشته خود از عربستان را در یافته و حالا در نقش منتقد سعی می‌کند تا از نقش از سازمان ملل در منطقه فاصله گیرد. باید گفت این دیدگاه در میان جمهوریخواهان و دموکرات‌ها مشترک است و حتی آمدن هیلازی کلینتون به کاخ سفید هم تغییری در آن ایجاد نخواهد کرد. حمله اخیر در اوولاندو و سفر عامل آن به عربستان و امارات بار دیگر عواقب حمایت‌های گذشته از آل سعود را نشان داد و به نظر می‌رسد محمدبن سلمان توجه‌ای به نگاه انتقادی امریکایی‌ها به جاه‌طلبی‌های افراطی ریاض ندارد و نمی‌تواند ارزیابی درستی از آینده این نگاه و تأثیر آن بر روابط دو طرف کند. در این میان، نمی‌توان جذابیت‌های مالی از بسته اقتصادی محمدبن سلمان برای امریکایی‌ها چشم پوشید اما باید گفت امریکایی‌ها بنا بر مبنای فرصت‌طلبی خود شاید به دنبال منافع اقتصادی این بسته باشند اما حاضر نیستند در قبال آن چنان امتیاز سیاسی به آل سعود بدهند که محمدبن سلمان انتظار آن را دارد. شاید جوانی و بی‌تجربگی محمدبن سلمان باعث شده تا او نتواند متوجه بدعه‌دی امریکایی‌ها باشد و هنوز فکر می‌کند هر چیز را می‌توان با پول خرید!

به نقل از خبرگزاری رسمی اردن منتشر کرده است این سرمایه‌گذاری را تأیید می‌کند. خبرگزاری رسمی اردن، پترا، به نقل از همین محمدبن سلمان فاش کرد ریاض ۲۰ درصد از هزینه‌های تبلیغاتی کلینتون را تأمین کرده است. میدل ایست به سابقه حمایت‌های از اسلاخ خانواده کلینتون پرداخت که برای کلینتون پراخت کرده که ریاست آن به عهده بیل کلینتون، همسر هیلازی کلینتون است. همین موضوع دستمایه حمله دونالد ترامپ به کلینتون شد تا بتواند با مطرح کردن پول‌های عربستان موقعیت او را در انتخابات آینده ریاست جمهوری تضعیف کند. هیلازی با توجه به این تاکتیک انتخاباتی ترامپ بود که بعد از حمله به کلوب شایانه در اوولاندو، سعودی‌ها را به همراه قطری‌ها و کویتی‌ها به خاطر حمایت از سازمان‌های افراطی مورد انتقاد قرار داد. این انتقاد او سه معنای قدرشناسی‌اش از سعودی‌ها قلمداد شد اما باید توجه داشت که انتقادش بیشتر پاسخی بود به حمله انتخاباتی ترامپ تا انتقاد جدی از آل سعود و با توجه به سابقه طولانی حمایت‌های مالی سعودی‌ها از او و شورش‌ها، باید گفت که آل سعود از حالا روی راه یافتن او به کاخ سفید حساب باز کرده است. محمدبن سلمان در این سفر سعی در ارزیابی نزدیکی از اوضاع داشته است.

■ **چشم‌انداز ۲۰۳۰**

در یک ماه قبل سنندی به نام چشم‌انداز عربستان ۲۰۳۰ در رسانه‌های آل سعود منتشر شد که به امضای پادشاه این کشور هم رسید. از مقدمه این سند و امضای پسی آن معلوم است که شخص محمدبن سلمان در تدوین آن نقش اساسی داشته تا آنجا که او را باید معمار این سند دانست که در مقام ریاست شورای عالی اقتصاد عربستان قصد تحول اساسی در ساختار اقتصادی عربستان دارد. سند هدف بلندپروازانه‌ای از کاهش وابستگی اقتصاد به نفت و افزایش عایدات غیرنفتی از

قرار داده و همانند رژیم صهیونیستی از راهبرد زمین

سوخته استفاده کرده است. به همین ترتیب جنایات ۷۰ ساله رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین به قدری وسیع است که این رژیم با احراز ریاست یک نهاد حقوقی نمی‌تواند بر آنها سرپوش بگذارد ضمن آنکه به‌رغم تلاش‌های گسترده این رژیم، تشکیل دولت فلسطینی اکنون به یک اجماع بین‌المللی تبدیل شده و تقریباً همه دولت‌های جهان حتی حامیان سنتی این رژیم در غرب از آن حمایت و پشتیبانی می‌کنند.

سوم اینکه چه‌خارج کردن عربستان از فهرست کشورهای کودک‌کش سازمان ملل آن هم با تهدید مستقیم این کشور و چه واگذاری ریاست کمیته حقوقی سازمان ملل به رژیمي که بیشترین قطعنامه‌ها را در طول حیات خود علیه آن صادر کرده با بیشترین کارشکنی‌ها و سنگ‌اندازی‌ها را از سوی آن شاهد بوده است، نشان می‌دهد به‌رغم گذشت بیش از هفت‌دهه از حیات سازمان ملل نه تنها مشکلات و موانع پیش‌روی کارآمدسازی این سازمان برداشته نشده بلکه بالعکس با گذشت زمان بر این افزوده می‌شود و اینکه این سازمان به علت تحت فشارمالی عربستان یا نفوذ سیاسی مفاوی صهیونیستی اصول و فلسفه وجودی خود را زیر پا می‌گذارد، نشان

^[1] محمدبن سلمان جدای از اینکه پسر سلمان بن‌العزیز، پادشاه عربستان است با داشتن سنم‌های مهمی مثل جانسنینی ولیعهد

^[2] وزارت دفاع و ریاست شورای عالی اقتصاد عربستان از مهم‌ترین مهره‌های حکومت آل سعود به شمار می‌رود

^[3] اهمیت جایگاه او تا آنجاست که بسیاری از ناظران تحولات عربستان او را کسی می‌دانند که زیر سایه پدر پیر خود سکاندار حکومت آل سعود است

^[4] او که از روز جمعه ۱۰ می در نیویورک به سر می‌برد، چند روز بعد به واشنگتن رفت تا با مقامات ارشد امریکایی دیدار و گفت‌وگو داشته باشد

^[5] محمدبن سلمان قیل از این سفر از رابطه محکم عربستان و امریکا گفته بود و اینکه آل سعود از هیچ تلاشی برای توسعه روابط با همپیمان استراتژیک قدیمی‌اش فر و گذار نکرده

^[6] و اشاره‌ای به چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان کرد که در این سفر به معنای نخستین گام در این جهت است

^[7] بنابر این، سفر او به امریکا نه یک سفر معمولی مثل گذشته بلکه در جهت انجام معامله‌ای بزرگ با حامی سنتی آل سعود بود

^[8] اما پایه توجیه به نگاه‌های نه چندان مثبت در امریکا به آل سعود کرد که این سفر زیر سایه همین نگاه‌ها انجام شد